

جهان‌گرایی در اندیشه و آثار سعدی

* حاکم قاسمی

** ملیحه رضانی

E-mail: ghasemi20@yahoo.com

E-mail: ramezani_965@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۲۲

چکیده

جهانی‌شدن به عنوان فرایندی فراگیر همه ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده و فرهنگ‌های مختلف را در سراسر جهان با چالش‌های اساسی روبه‌رو کرده است. در چنین وضعیتی فرهنگ ایرانی نیز مانند هر فرهنگ دیگری با چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن روبه‌روست. مسئله اساسی این است که آیا این فرهنگ در مواجهه با جهانی‌شدن به حیات خود ادامه خواهد داد؟

در این مقاله اندیشه‌ها و افکار سعدی، شاعر و ادیب بلندآوازه ایران که آثار ماندگار گلستان و بوستان را بر جای گذاشته است، به عنوان نمادی از فرهنگ ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه گلستان و بوستان نشان می‌دهد جهان‌گرایی و نگرش جهانی جزء جدایی‌ناپذیری از فرهنگ ایرانی است. در گلستان و بوستان از یک سو ارزش‌های جهانی و مشترک بین همه افراد بشر معرفی، و به زندگی بر اساس آن توجه و تأکید شده و از سوی دیگر برای تحقق این ارزش‌ها همه افراد بدون توجه به قید زمان و مکان مخاطب قرار گرفته‌اند. به علاوه اجتماعی بودن انسان و ضرورت زندگی جمعی برای انسان به گونه‌ای معرفی شده که ضرورت همبستگی همه افراد بشر را به تصویر می‌کشد؛ از این‌رو فرهنگ ایرانی نه تنها از ظرفیت انطباق‌پذیری بالایی برای تطبیق خود با جهانی‌شدن برخوردار است بلکه توانایی لازم را برای غلبه بر چالش‌ها و تأثیرگذاری بر جهان دارد.

کلید واژه‌ها: جهانی‌شدن، فرهنگ ایرانی، سعدی، گلستان، بوستان.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، نویسنده مسئول

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

مقدمه

پایان سده بیستم و ماه‌های آغازین هزاره سوم میلادی با ویژگی‌هایی همراه شده که با نام جهانی شدن شناخته می‌شود. جهانی شدن فرایندی است که بر تمام حوزه‌های فعالیت بشری تأثیر گذاشته و موجب تغییر در شیوه تفکر و تلقی انسان‌ها از روابط اجتماعی شده و تأثیرات عمیقی بر زندگی انسان‌ها در ابعاد مختلف آن داشته و فرهنگ‌ها را نیز با چالش مواجه کرده است. در این شرایط، شناخت جهانی شدن برای کشورهایی که بر حفظ ارزش‌های فرهنگی خود تأکید دارند، هم برای شناخت تهدیدها و بحران‌ها و هم شناخت فرصت‌هایی که این پدیده برای آنها به دنبال خواهد داشت، بسیار مهم است.

تمامی فرهنگ‌های موجود در عرصه جهان از این پدیده تأثیر می‌پذیرند و با توجه به ظرفیت و توانایی‌ای که هر فرهنگ از آن برخوردار است، از خود واکنش نشان می‌دهند. اگر فرهنگی ظرفیت و توانایی لازم برای انطباق خود با شرایط در حال تغییر ناشی از جهانی شدن را داشته باشد، می‌تواند به بقای خود امیدوار باشد و از فرصت‌هایی که جهانی شدن به وجود می‌آورد برای گسترش خود سود ببرد؛ اما اگر فرهنگی از چنین ظرفیت و توانایی بی‌بهره باشد امیدی به حفظ و بقای آن نخواهد بود.

در این مقاله برای بررسی تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ ایرانی و پی بردن به قابلیت‌های این فرهنگ برای انطباق خود با شرایط ناشی از جهانی شدن، دو اثر ارزشمند در ادبیات فارسی یعنی گلستان و بوستان سعدی انتخاب شده و مبنای مطالعه قرار گرفته است. هدف از این کار، بررسی ادبی این آثار نیست، بلکه هدف آن است که با مرور اندیشه‌ها و آثار سعدی نشان داده شود که اندیشه‌های نهفته در فرهنگ ایرانی و ارزش‌ها و جامعه مطلوبی که در این فرهنگ ترسیم شده ذات و ماهیتی جهان‌گرا و جهانی دارد؛ از این‌رو فرهنگ ایرانی نه تنها قدرت و توانایی انطباق خود را با فرایند جهانی شدن دارد، بلکه می‌تواند با استفاده از آن گسترش یابد.

پیشینه بحث

در ارتباط با سعدی و گلستان و بوستانش تاکنون آثار مختلفی اعم از مقاله و کتاب به چاپ رسیده است. حسن‌لی (۱۳۸۰) در پژوهش گسترده و جامعی که درباره سعدی در پنج جلد با عنوان فرهنگ سعدی پژوهی منتشر کرده، مجموعه کتاب‌ها و مقالات منتشرشده درباره سعدی را شناسایی و معرفی کرده است. بر اساس این پژوهش از سال

۱۳۰۰ تا ۱۳۷۵ هجری شمسی ۱۲۲ کتاب و ۶۹۴ مقاله درباره سعدی و اندیشه‌هایش منتشر شده است. اکثر این آثار برای معرفی سعدی و اندیشه‌های وی، گلستان و بوستان را مبنای قرار داده‌اند (حسن لی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۰). مبنای قرار گرفتن گلستان و بوستان برای بررسی اندیشه‌های سعدی به دلیل آن است که این دو کتاب هریک وجهی از اندیشه‌های سعدی را منعکس می‌سازند. گلستان دیدگاه سعدی را درباره وضعیت موجود و آنچه وی تجربه کرده نشان می‌دهد. «گلستان را باید فراورده‌آزمون‌ها و نمودار مطالعه سعدی در افکار و احوال و اخلاق و آداب مردمی شمرد که وی در سفر سی‌ساله با آنها سروکار داشته و از راز درونشان آگاه شده و از هریک اندرزی شنیده و نکته‌ای آموخته و به گنجینه خاطر سپرده است» (خطیب رهبر، ۱۳۶۲: د). اما بوستان، مدینه فاضله و جامعه مطلوب سعدی را به تصویر می‌کشد. «سعدی مدینه فاضله‌ای را که می‌جسته در بوستان تصویر کرده است» (یوسفی، ۱۳۶۳: ۱۵).

هر یک از کتاب‌ها و مقاله‌های منتشرشده درباره سعدی، یکی از ابعاد آثار و اندیشه‌های سعدی را بررسی و تبیین کرده‌اند. در فرهنگ سعدی‌پژوهی، کتاب‌های مختلفی درباره سعدی نوشته شده که در سیزده گروه به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند: تصحیح با شرح، تصحیح بدون شرح، گزیده با شرح، گزیده بدون شرح، ترجمه به فارسی، شرح کامل، تحلیل کلی، زندگی‌نامه، فهرست کتاب‌شناسی و کشف‌الابیات، متن همراه با ترجمه، خوشنویسی و چاپ لوکس، مجموعه مقاله، و متفرقه (حسن لی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۱۲).

مقاله‌ها نیز از نظر موضوع به پانزده گروه دسته‌بندی شده‌اند که عبارتند از:

- بررسی واژگانی، دستوری، سبکی و معنی بیت‌ها و عبارت‌ها؛

- مقایسه سعدی با شاعران و اندیشمندان دیگر و تأثیر و تأثر او؛

- معرفی و نقد نوشته‌هایی که در پیوند با سعدی پدید آمده‌اند؛

- بررسی کلی زندگی و شخصیت و مقام سعدی؛

- تأکید بر قوت سعدی در کلام و جایگاه او در شعر فارسی؛

- تأثیر سعدی در ادبیات خارج از ایران و ترجمه آثار او؛

- امور اجتماعی و تربیتی در آثار سعدی؛

- بررسی جنبه‌های معنوی و عرفانی آثار سعدی؛

- جهان‌بینی سعدی؛

- نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی سعدی؛



- بررسی تاریخ اجتماعی زمان سعدی؛
- زیبایی‌شناسی آثار سعدی؛
- سخنان سعدی درباره خود؛
- بررسی اشعار عربی و مثلثات سعدی؛
- متفرقه (حسن لی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸).

با توجه به تعداد آثار منتشرشده و موضوعات متنوع آنها، امروزه امکان دسترسی به منابعی با موضوعات مختلف درباره سعدی برای سعدی‌پژوهان فراهم است. در کنار مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی که از زوایای مختلف پیرامون سعدی نوشته شده، آنچه مقاله حاضر را از آثار موجود متمایز می‌سازد و نوآوری آن نسبت به آثار منتشرشده به حساب می‌آید، این است که تلاش می‌کند با نشان دادن وجوهی از جهان‌گرایی در اندیشه سعدی، پیوندی بین فرهنگ و ادبیات فارسی با جهانی‌شدن برقرار کند و توضیح دهد که چرا و چگونه فرهنگ ایرانی می‌تواند در عصر جهانی‌شدن حفظ شود و گسترش یابد.

سؤال پژوهش

در مواجهه فرهنگ‌ها با جهانی‌شدن، فرهنگ ایرانی نیز مانند سایر فرهنگ‌های موجود در عرصه جهانی با جهانی‌شدن و چالش‌های آن روبه‌رو است. چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن و تهدیدهایی که متوجه فرهنگ‌های محلی و بومی است نگرانی‌ها و دغدغه‌های ایرانیان را برای حفظ فرهنگ و میراث فرهنگی خود موجب شده است. پرسش اساسی این است که فرهنگ ایرانی در مواجهه با فرایند جهانی‌شدن و چالش‌های ناشی از آن چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟ آیا به حیات خود ادامه خواهد داد یا اینکه در یک فرهنگ جهانی هضم و حذف خواهد شد؟

در پاسخ به این پرسش اساسی باید گفت، مطالعه فرهنگ ایرانی حاکی از آن است که این فرهنگ از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های لازم برای انطباق و حفظ خود در شرایط ناشی از جهانی‌شدن برخوردار است. آنچه این قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگ ایرانی را به‌خوبی منعکس می‌سازد، ادبیات فارسی است. مطالعه ادبیات فارسی به‌عنوان آینه تمام‌نمای فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد فرهنگ ایرانی نه تنها توانایی انطباق خود با شرایط ناشی از جهانی‌شدن را دارد، بلکه می‌تواند با استفاده از فرصت‌های ناشی از جهانی‌شدن خود را ترویج و جهانی کند. در این مقاله با بررسی گلستان و بوستان سعدی سعی می‌شود این ویژگی فرهنگ و ادبیات ایرانی ترسیم شود.

چنان‌که از مباحث مقدماتی پیداست در این مقاله رابطه بین دو متغیر جهانی شدن و فرهنگ ایرانی بررسی می‌شود تا مشخص شود که جهانی شدن چه تأثیری بر فرهنگ ایرانی دارد؛ از این رو در ابتدا به تعریف این دو مفهوم می‌پردازیم.

جهانی شدن

با وجود فراگیر بودن بحث درباره جهانی شدن، اتفاق نظری درباره آن وجود ندارد. پژوهشگران و نظریه‌پردازان مختلف تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده‌اند. ارائه تعاریف گوناگون از جهانی شدن از یک سو، نشان از جدید بودن این موضوع است که باعث ناشناختگی و در نتیجه برداشت‌های مختلف از آن می‌شود و از سوی دیگر نتیجه چندبُعدی بودن و پیچیدگی‌های ناشی از وجود ابعاد مختلف است. در برخی از مطالعات درباره جهانی شدن از آن به عنوان فرایندی یاد شده که سرشتی طبیعی و خارج از اراده انسان‌ها دارد. تعریف گیدنز مبنی بر اینکه «جهانی شدن عبارت است از فرایندی که تمامی انسان‌ها را در یک جامعه واحد جهانی ادغام و در نتیجه آن بسیاری از محدودیت‌های جغرافیایی و سیاسی و ترتیبات اجتماعی و فرهنگی از بین رفته و یا کاهش می‌یابد» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۴)؛ یا تعریف ساندر مبنی بر «پهنارتر شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنش‌های اجتماعی، آزادسازی دولت‌ها و کاهش محدودیت آنان در فعالیت میان کشورهای مشابه دیگر» (ساندر، ۱۹۹۶: ۲۷)، از جمله این تعاریف است. در مقابل در برخی از مطالعات، جهانی شدن را طرح و پروژه‌ای از پیش طراحی شده می‌دانند و با تأکید بر دخالت اراده انسان‌ها و نقش دولت‌ها در شکل‌گیری آن، به جای واژه جهانی شدن از واژه جهانی‌سازی استفاده می‌کنند. در این تعاریف، جهانی شدن بیشتر به غربی شدن تعبیر شده است. کاربرد تعابیری چون «فرایند غربی کردن و همگون‌سازی جهان» (تیلر، ۲۰۰۰: ۷۰-۴۹)، «جهانی شدن به منزله جهانی شدن لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی» (فوکویاما، ۱۹۸۹: ۴) گویای این برداشت‌ها از جهانی شدن است. برخی از محققان نیز با رویکردی اقتصادی به تعریف جهانی شدن پرداخته‌اند. چنان‌که تامپسون از آن به عنوان «ادغام همه جنبه‌های اقتصادی در گستره جهانی» (تامپسون، ۱۹۹۶: ۴۸) یاد کرده و شهرام‌نیا معتقد است جهانی شدن «عبارت است از ادغام بازارهای جهانی در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و جابه‌جایی سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چهارچوب آزادی بازار که به شکافته شدن مرزهای ملی و کاهش قدرت حاکمیت دولت خواهد انجامید» (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۰).

مجموع تعاریف ارائه شده درباره جهانی شدن را می توان بدین شرح دسته بندی کرد:

۱. جهانی شدن به معنای بین المللی شدن؛
 ۲. جهانی شدن به معنای لیبرالیزه شدن جهان؛
 ۳. جهانی شدن به معنای عمومی شدن و عمومیت یافتن مسائل؛
 ۴. جهانی شدن به معنای غربی شدن؛
 ۵. جهانی شدن به معنای مدرن شدن؛
 ۶. جهانی شدن به معنای بدون مرز شدن جهان (بلیس و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۷-۴۸).
- هریک از این تعارف، به وجهی از جهانی شدن توجه کرده و بر اساس آن به تعریف از این مفهوم پرداخته اند. به رغم اختلاف نظرهایی که بر سر تعریف جهانی شدن وجود دارد، اغلب پژوهشگران آن را متضمن نوعی همگون شدن و پیوند خوردن جوامع در گستره جهانی با یکدیگر می دانند. در این مقاله نیز جهانی شدن فرایندی طبیعی در نظر گرفته شده که از گذشته های دور آغاز شده و تاکنون ادامه یافته و در آینده نیز تداوم خواهد یافت. تداوم این فرایند، زندگی اجتماعی و مسائل مربوط به آن را دچار تغییر و تحول خواهد کرد. در نتیجه این تغییر ابعاد فردی، قومی، محلی و ملی و هر وجه محدودکننده دیگر، و بسیاری از مسائل و پدیده های اجتماعی تغییر می یابد و جنبه های جهانی پیدا می کند. در نتیجه موجب کم رنگ شدن مرزهای محصورکننده شده و سبب می شود این مسائل و پدیده ها در گستره ای به وسعت جهان و بدون مرزبندی های محدودکننده مطرح و به عنوان موضوعی جهانی شناخته شوند (قاسمی، ۲۰۱۰: ۴).

تعریف فرهنگ

فرهنگ از مفاهیمی است که بسیاری از صاحب نظران علوم اجتماعی کوشیده اند تعریفی از آن ارائه دهند، اما تعریف آن، از تعریف جهانی شدن دشوارتر می نماید؛ از این روست که واژه فرهنگ یکی از واژه های بسیار سخت و مبهم به حساب می آید. بعضی تعریف موسعی از فرهنگ ارائه و آن را «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر» معرفی کرده اند. در این تعریف، «فرهنگ از دو بعد مادی و معنوی تشکیل شده است. فرهنگ مادی بر کلیه ابزارها و وسایلی که توسط بشر ساخته شده و چگونگی بهره برداری از آنها دلالت دارد. فرهنگ معنوی اشاره به نهادها، باورها، ارزش ها و رسوم و میثاق انسان ها دارد» (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۴۰۰). در مقابل تعاریف موسع از فرهنگ، برخی تعریفی مضیق از فرهنگ ارائه داده اند. چنان که عده ای فرهنگ را پدیده ای ذهنی و

ادراکی دانسته‌اند. گی‌روشه نوشته است: «فرهنگ مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از اندیشه‌ها، احساسات و اعمال کم‌وبیش صریحی است که به وسیلهٔ افراد یک گروه پذیرفته شده و برای اینکه افراد، گروه معین و مشخصی را به وجود آورند، لازم است که در آن مجموعه به‌هم‌پیوسته به نحوی مراعات شود» (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۸).

تعریف دیگری که از فرهنگ وجود دارد، روش و شیوهٔ زندگی و گذران امور است. در این تعریف «فرهنگ، به نحوه زیستی گفته می‌شود که هر جامعه‌ای برای رفع احتیاجات اساسی خود از حیث بقا، ادامه نسل و انتظام امور اجتماعی اختیار می‌کند» (روسک، وارن، ۱۳۵۰: ۹). «فرهنگ شیوه عمومی زندگی گروه یا گروه‌هایی از مردم است که عناصری از قبیل عادات، اعتقادات، سنت‌ها، ارزش‌ها و نقاط مشترک آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و وحدت اجتماعی ویژه‌ای را به وجود می‌آورد» (محسنی، ۱۳۶۵: ۱۱۷). بعضی از تعاریف با توجه به وجود فرهنگ‌های مختلف که موجب بازشناسی جوامع از یکدیگر است، فرهنگ را وجه ممیزه و شاخص زندگی نوع بشر و عامل بازشناسی افراد جوامع مختلف از یکدیگر می‌دانند. «فرهنگ آن قسمت از محیط است که به دست انسان ساخته شده و تأثیر پذیرفته است.» بنابراین «تفاهمی قراردادی است که در اعمال و ساخته‌ها تجلی می‌کند و جوامع را از هم متمایز می‌سازد» و یا به تعبیری دیگر «مجموعه رفتارهای اکتسابی است که افراد یک جامعه را از جامعه دیگر متمایز می‌کند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۴۰۱). در این تعریف «تمام عوامل مربوط به شناسایی، اعتقاد، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم و مجموع دیگر امکانات عملی کسب شده به وسیله فرد در اجتماع فرهنگ نامیده می‌شود» (نیم کف، ۱۳۴۹: ۱۲۰). در برخی از تعاریف فرهنگ اگرچه به وسیله انسان‌ها ساخته می‌شود اما مستقل از آنها تصور می‌شود. در این دیدگاه فرهنگ واقعیتی عینی و ملموس و جدا از فرد است. از این‌روست که قادر است بر فرد تأثیر بگذارد و افراد مختلف را وادار به اتخاذ روشی واحد در زندگی نماید. از این دیدگاه فرهنگ به منزله یک کل واحد باید ضرورتاً به صورت واقعیتی عینی بیگانه با بشر، متحجر، و جامد تلقی شود (مولکی، ۱۳۷۶: ۴۴۵).

با توجه به تعاریف مختلف، تعریفی که در این مقاله مبنا قرار گرفته، تعریفی است که فرهنگ را مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از اجزای غیرمادی عینیت یافته در زندگی اجتماعی می‌داند که هرچند دارای اجزای مختلف است، ولی یک کل واحد را تشکیل می‌دهد. این کل واحد به اجتماعات انسانی هویت و به زندگی معنا می‌دهد. این مجموعه اگرچه مادی نیست، با دستاوردهای مادی ارتباط و پیوند تنگاتنگ دارد و بر

آنها تأثیر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد. از سوی دیگر این مجموعه، هر چند غیرمادی است، ذهنی و ادراکی نیست، بلکه در عالم واقع عینیت یافته و در زندگی جاری شده است. بنابراین شیوه و نحوه زندگی کردن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را شکل می‌دهد تا جایی که شیوه و چهارچوب زندگی تلقی می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۴). با چنین تعریفی مجموعه آداب، رسوم، سنن، اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، هنجارها، آیین‌ها، دانش و آگاهی‌ها، میثاق‌ها و مواردی نظیر اینها که غیرمادی است و طی فرایندهای تاریخی شکل گرفته و وجودی مستقل از انسان‌ها یافته و آرمان‌ها، نگرش آنها به زندگی و نحوه زندگی آنها را تحت تأثیر خود قرار داده است، فرهنگ نام دارد. فرهنگ موجب شکل‌گیری هویتی برای یک مجموعه انسانی می‌شود که بر اساس آن هر مجموعه انسانی خود را متمایز و متفاوت از دیگر مجموعه‌های انسانی می‌شناسد و معرفی می‌کند.

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی با آثاری که بر جای گذاشته منجر به شکل‌گیری هویتی شده که مردم ایران خود را با آن می‌شناسند و از دیگران متمایز می‌دانند. فرهنگ پدیده‌ای غیرمادی است و قابل مشاهده نیست، اما می‌توان آن را در نحوه زندگی و آثار به جامانده از افراد وابسته به هر جامعه‌ای یافت. یکی از آثاری که فرهنگ هر جامعه‌ای را منعکس می‌کند ادبیات و آثار ادبی است؛ از این روست که در هر جامعه‌ای ادبیات و آثار ادبی بخشی از آثار فرهنگی آن جامعه به حساب می‌آیند. در ایران نیز ادبیات و آثار به جامانده از اندیشمندان و متفکران ایرانی، بازتاب‌دهنده فرهنگ ایرانی و نمایی از این فرهنگ‌اند و ادبیات فارسی مرجعی دقیق و امین برای مطالعه فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود. در این مقاله نیز با مبنا قرار دادن ادبیات فارسی به عنوان بخشی از فرهنگ ایرانی می‌کوشیم ارزش‌های نهفته در فرهنگ ایرانی را بازنمایی و با توجه به آنها ظرفیت‌های فرهنگ ایرانی را در مواجهه با جهانی شدن معرفی کنیم.

چهارچوب نظری

دنایای معاصر هم شاهد جهانی شدن فرهنگ است و هم شاهد فرهنگی شدن جهان. تحت تأثیر همین اهمیت‌یابی و برجستگی فزاینده فرهنگ، حوزه‌های پژوهشی گوناگون نیز دچار تحول شده‌اند. گرچه علوم انسانی همواره پدیده فرهنگ را مورد توجه قرار داده، ولی در سال‌های اخیر جنبه فرهنگی زندگی اجتماعی محور بحث بسیاری از

رشته‌ها و شاخه‌های فرعی این علوم بوده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۲۲). در حال حاضر از جهانی‌شدن فرهنگ و تأثیرات آن دو برداشت ارائه می‌شود: برداشت نخست این است که در جریان جهانی‌شدن ما شاهد غلبه و حاکمیت یافتن یک فرهنگ بر دیگر فرهنگ‌ها هستیم. به این معنی که فرهنگ‌هایی که در شرایط ناشی از جهانی‌شدن قادر به انطباق خود با شرایط جدید نیستند، در فرهنگ‌های دیگر جذب خواهند شد. در این شرایط فرهنگ مسلط در عرصه جهانی که همان فرهنگ غربی است، فرهنگ‌ها را در درون خود جذب می‌کند که می‌توان از آن با عنوان رابطه انفعالی و استحاله فرهنگ‌ها در شرایط جهانی‌شدن سخن گفت. این امر سبب می‌شود فرهنگ‌ها در برابر فرایند جهانی‌شدن منفعل شده و ویژگی‌های خود را از دست بدهند (سجادی، ۱۳۸۳: ۸۸). اما دیدگاه دوم این است که در شرایط جهانی‌شدن بسیاری از فرهنگ‌های بومی و محلی امکان رشد و گسترش یافته و به‌راحتی قادرند خود را با شرایط جدید منطبق سازند. این فرهنگ‌ها در شرایط ناشی از جهانی‌شدن خود را حفظ می‌کنند و با استفاده از فرصت‌های جهانی‌شدن گسترش می‌یابند. در واقع قابلیت و توانایی فرهنگ‌ها عامل مهمی است که به آنان این امکان را می‌دهد که خود را حفظ و در شرایط جهانی‌شدن توسعه بخشند.

تأثیرپذیری فرهنگ‌ها از جهانی‌شدن واقعی‌انکارناپذیر است، زیرا فرهنگ‌ها از مجموعه‌ای از عناصر شکل گرفته‌اند. بخشی از این عناصر به‌شدت پایدارند و در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند مانند اسطوره‌های فرهنگی یا بخشی از اعتقادات و ارزش‌ها که طی نسل‌های متمادی باقی می‌مانند و خود را حفظ می‌کنند؛ ولی بخشی از عناصر سازنده فرهنگ‌ها به‌شدت تغییرپذیر و ناپایدارند. به عنوان مثال نحوه زندگی کردن مانند نحوه لباس پوشیدن، نوع غذا و نحوه غذا خوردن، ممکن است از نسلی به نسلی دیگر تغییر کند؛ بنابراین ثبات و تغییر همزمان جزء ذات فرهنگ به حساب می‌آیند. عناصر تغییرپذیر در مواجهه با جریان‌ها و تغییرات چندان مقاومتی از خود بروز ندادند، دچار تغییر می‌شوند؛ از این‌رو تغییر و تحول فرهنگ‌ها امری پذیرفتنی است، اما آنچه موجب دغدغه در مواجهه با جهانی‌شدن شده نه تغییر و تحول فرهنگ‌ها، بلکه استحاله و هضم و نابودی فرهنگ‌هاست. فرهنگ‌ها ممکن است تغییر و تحول یابند، اما با حفظ عناصر اصلی خود به شکلی دیگر خود را حفظ می‌کنند و تداوم حیات می‌دهند، اما فرهنگ‌هایی که دچار استحاله یا هضم در دیگر فرهنگ‌ها می‌شوند، موجودیت خود را از دست می‌دهند و امکان حیات و بقا نمی‌یابند.

درباره اینکه چه فرهنگ‌هایی در مواجهه با تغییرات و تحولات می‌توانند ضمن

پذیرفتن تغییر، خود را حفظ، و از استحاله و هضم شدن خود جلوگیری کنند، فرهنگ‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: الف) فرهنگ‌هایی که ویژگی خاص‌گرایی دارند و پایه و بنیان آن بر خاص‌گرایی استوار است؛ ب) فرهنگ‌هایی که ویژگی‌های بارز عام‌گرا دارند و ذاتاً عام‌گرا و فراگیر هستند. فرهنگ‌های متکی بر خاص‌گرایی، گروه‌ها و جماعت‌های خاصی را دربرمی‌گیرند. ارزش‌های مورد قبول این فرهنگ‌ها نیز خاص بوده و گستره عام و جهانی ندارد. این نوع فرهنگ‌ها در مواجهه با تغییرات و تحولات ناشی از جهانی شدن برای حفظ خود دچار مشکل می‌شوند، زیرا جهانی شدن فرایندی عام و جهانی است اما فرهنگ دارای ابعاد خاص‌گرایی نمی‌تواند از محدوده‌های خاص مورد تأکید خود خارج شده، خود را با فرایندی عام و جهانی همراه سازد؛ از این رو در فرایند جهانی شدن قادر به انطباق خود با شرایط ناشی از جهانی شدن نیست و تحت فشار فرایندهای جهانی با از دست دادن مقاومت از بین می‌رود. اما فرهنگ‌ها یعنی فرهنگ‌هایی که جنبه عام‌گرا دارند، ذاتاً منحصر به یک منطقه یا یک جماعت و جمعیت خاص نمی‌شوند بلکه عام‌گرا و فراگیر هستند و گروه‌های انسانی مختلف حتی در گستره جهانی را دربرمی‌گیرند. ارزش‌هایی که این فرهنگ‌ها مطرح می‌کنند نیز عام و فراگیر است و عام بودن ویژگی مسلط آنان است. اصول و ارزش‌های مورد تأکید این فرهنگ‌ها کل بشریت را دربرمی‌گیرد. این دسته از فرهنگ‌ها در مواجهه با جهانی شدن قادرند، خود را جهانی ساخته و با شرایط جدید منطبق سازند؛ از این رو نه تنها می‌توانند خود را حفظ کنند بلکه قادرند با استفاده از شرایط گسترش یابند.

در این مقاله سعی بر این است که با مراجعه به ادبیات فارسی، وجوهی از فرهنگ ایرانی که ویژگی عام‌گرا و جهانی دارد استخراج و معرفی شوند. با در نظر گرفتن این وجوه از فرهنگ ایران است که می‌توان نتیجه گرفت این فرهنگ قابلیت آن را دارد که در تغییر و تحولات ناشی از جهانی شدن خود را حفظ کند. مراجعه به گلستان و بوستان سعدی به خوبی این واقعیت را منعکس می‌سازد. نگرش و بینش متفکران و اندیشمندان ایرانی از جمله سعدی از دین اسلام ریشه گرفته و آموزه‌های اسلامی در تمامی آثار آنها از جمله در گلستان و بوستان سعدی بازتاب دارد. دین اسلام دین جهانی و دارای ابعاد عام و جهان‌شمول است. لذا ویژگی جهانی و عام‌گرا دارد. دین اسلام از مؤلفه‌های اصلی فرهنگ ایرانی است و با توجه به جهانی بودن و عام بودن آن ویژگی عام‌گرایی در فرهنگ ایرانی نیز قوت گرفته و افزایش یافته است. این امر موجب شده تا

خاص‌گرایی‌های فرهنگی که می‌تواند مانع از حضور و تأثیرگذاری یک فرهنگ در عرصه جهانی شود، در فرهنگ ایرانی محدود شود و با اتکا به جنبه‌های عام و جهان‌شمول فرهنگ ایرانی و عام‌گرایی ناشی از آن، امکان تعامل با جهان در شرایط ناشی از جهانی‌شدن برای فرهنگ ایرانی فراهم آید. در چنین وضعیتی زمینه حضور فرهنگ ایرانی در عرصه جهانی ایجاد می‌شود و با استفاده از آن و با اتکا بر وجود عام‌گرایی‌های فرهنگی نه تنها می‌توان ویژگی‌های عام و جهان‌شمول فرهنگ ایرانی را گسترش داد بلکه می‌توان وجوه خاص فرهنگ را نیز حفظ و ترویج کرد.

روش تحقیق

روش تحقیقی که برای تنظیم این مقاله از آن سود برده‌ایم، روش توصیفی - تحلیلی از یک سو و تحلیل محتوا از سوی دیگر است. برای معرفی فرهنگ ایرانی به توصیف این فرهنگ و ویژگی‌های آن می‌پردازیم و برای مشخص کردن ارتباط و نسبت آن با جهانی‌شدن از روش تحلیلی استفاده می‌کنیم. برای استخراج ویژگی‌های فرهنگ ایرانی از میان متون مورد مطالعه و مشخص کردن وجوه جهان‌گرایی در اندیشه و آثار سعدی نیز از تحلیل محتوا بهره می‌گیریم. برای بررسی فرهنگ ایرانی و نشان دادن ظرفیت‌های این فرهنگ برای انطباق با شرایط جهانی‌شدن و حفظ خود در مقابل تهدیدهای ناشی از جهانی‌شدن و در مقابل استفاده از فرصت‌های ناشی از جهانی‌شدن برای گسترش و جهانی‌کردن خود، ادبیات فارسی به عنوان بخشی از فرهنگ ایرانی در نظر گرفته شده و مبنای مطالعه برای پاسخ گفتن به پرسش اصلی این مقاله قرار گرفته است. با مطالعه ادبیات فارسی می‌توان به بسیاری از آداب، رسوم، سنن، اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، هنجارها، آیین‌ها، نگرش‌ها، آرمان‌ها و نحوه زندگی مردم ایران پی برد و فرهنگ جاری و ساری در آن را بازشناخت. در عین حال با مطالعه ادبیات فارسی می‌توان با اندیشه‌ها و تفکرات افراد و انسان‌هایی که در ایران و در چهارچوب فرهنگ ایرانی زیسته، از این فرهنگ تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر گذاشته‌اند آشنا شد. با دستیابی به این آشنایی و کسب شناخت از فرهنگ است که امکان پی بردن به ظرفیت‌های فرهنگ ایرانی برای انطباق با جهانی‌شدن فراهم می‌شود.

برای مطالعه ادبیات فارسی، مطالعه تمامی آثار در یک مقاله امکان‌پذیر نیست؛ از این رو در این مقاله برای بررسی ادبیات فارسی و شناسایی ظرفیت‌های فرهنگ ایرانی برای انطباق با شرایط ناشی از جهانی‌شدن دست به گزینش زده، دو اثر شیخ

مصلح‌الدین سعدی شیرازی، گلستان و بوستان به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی را برگزیده‌ایم. این دو اثر گران‌سنگ هم به دلیل جایگاهشان در ادبیات فارسی و هم به دلیل اقبال عامه ایرانیان به آنها، آینه تمام‌نمایی از فرهنگ ایرانی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، سعدی با به جا گذاشتن این دو اثر به عنوان یکی از مفاخر ایران و فرهنگ ایرانی شهره عام و خاص است. لذا مطالعه گلستان و بوستان می‌تواند ما را با اندیشه‌های سعدی خالق این آثار آشنا سازد. از سوی دیگر از آنجاکه گلستان و بوستان جنبه‌های مهمی از فرهنگ ایرانی را منعکس می‌سازند، مطالعه آنها ما را به کسب شناخت فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی ایرانی رهنمون می‌سازد.

با مطالعه گلستان و بوستان می‌توان مشخص کرد متفکران و اندیشمندان ایرانی تا چه میزان اندیشه‌های جهان‌گرا دارند. همچنین با آگاهی نسبت به ارزش‌های نهفته در فرهنگ ایرانی می‌توان به این واقعیت پی برد که این فرهنگ تا چه میزان قابلیت انطباق با شرایط عصر جهانی شدن را داراست. بدین منظور با مطالعه گلستان و بوستان از یک سو کوشیده‌ایم، مفاهیمی را که حاکی از نگاه جهانی سعدی، وابسته دانستن همه افراد بشر به یکدیگر، و یکپارچه دانستن جوامع بشری است، استخراج کنیم؛ از سوی دیگر سعی شده با مشخص کردن ارزش‌های عام و جهانی منعکس شده در گلستان و بوستان، عام‌گرایی فرهنگی ایرانی را به تصویر بکشیم. به علاوه با دسته‌بندی حکایت‌های مندرج در گلستان و بوستان به حکایت‌هایی که در آنها عامه مردم مخاطب واقع شده‌اند، و حکایت‌هایی که در آنها افراد خاصی مخاطب قرار گرفته‌اند، درصدد بررسی و شناسایی مخاطبان خاص و عام در این دو اثر سعدی برآمده‌ایم؛ لذا با شمارش تعداد حکایت‌های دارای مخاطب عام و حکایت‌های دارای مخاطب خاص، کوشیده‌ایم درصد مخاطبان عام را در قیاس با مخاطبان خاص مشخص کنیم. البته این نکته را نیز باید اشاره کنیم که حتی حکایت‌هایی که در آنها افراد خاص مخاطب قرار گرفته‌اند، دارای پیام عام و جهانی هستند که این امر نیز جهان‌گرایی سعدی را بیش از پیش مشخص می‌سازد.

اندیشه جهان‌گرا و نگرش جهانی سعدی

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی از جمله شخصیت‌ها و نویسندگان ایرانی است که نه تنها در میان فارسی‌زبانان از شهرتی کم‌نظیر برخوردار است، بلکه در خارج از ایران نیز چهره‌ای شناخته‌شده و آشناست. او در حدود سال ۶۰۶ هجری قمری در خانواده‌ای که به تعبیر خودش همگی از بزرگان دین بودند در شیراز متولد شد.

مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز آموخت و برای ادامه تحصیل به بغداد رفت. سعدی در مسافرت‌های گوناگونی به اقصی نقاط جهان، به مناطق مختلفی سفر کرد. وی به شهرهای خاور نزدیک و خاورمیانه، هندوستان، حبشه، مصر و شمال آفریقا سفر کرد. این جهانگردی به روایتی سی سال به طول انجامید. در اینکه سعدی از چه سرزمین‌هایی دیدن کرده میان پژوهندگان اختلاف نظر وجود دارد (موحد، ۱۳۷۴: ۵۸)، زیرا بسیاری از آنها پایه نمادین و اخلاقی دارند نه واقعی. سعدی در اواسط قرن هفتم به شیراز بازگشت. وی حاصل تحصیلات و تجربیات خود از مسافرت‌ها و مشاهداتش را در دو کتاب بوستان (نگارش به ۶۵۵ قمری)، و گلستان (نگارش به سال ۶۵۶) به رشته تحریر درآورد (یوسفی، بوستان، ۱۳۶۳: ۱۲؛ یوسفی، گلستان، ۱۳۶۸: ۱۷).

با وجود تردیدها درباره برخی از مسافرت‌های سعدی، با مطالعه و بررسی زندگی سعدی، برون‌گرا بودن شخصیت وی و توجه به مسائل و موضوعات مطرح در عرصه جهانی کاملاً آشکار است. سعدی عاشق سیر و سفر بوده و جهان را بسیار فراخ و گسترده می‌دیده و ضرورت محدود نماندن در یک منطقه محدود، و وسیع و گسترده دیدن جهان را مورد تأکید قرار داده است. وی در اشعار خود به این نکته اشاره می‌کند:

به هیچ یار مده خاطر و به هیچ دیار
چو ماکیان به در خانه چند بینی جور
که بر و بحر فراخ است و آدمی بسیار
چرا سفر نکنی، چون کبوتر طیار؟

(یزدانی، میری، ۱۳۸۳: ۲۳۰).

محدود ندیدن جهان است که سعدی را به سیر و سفر حتی در عالم خیال وا می‌دارد. سفرهای سعدی افزون بر خاطرات شیرین و دلنشین، بر دانش و بینش و نیز عشق و تساهل و تجربه و جهان‌بینی و خلاقیت و قدرت شاعرانه وی افزوده و دست‌مایه آفرینش بوستان و گلستان و دیگر آثار گرانبه‌اوست (احمدی گیوی، ۱۳۸۶: ۸). بوستان سعدی که منظومه‌ای است در قالب مثنوی، سعدی را در قالب فردی دنیادیده و پخته که تمام جهان را زیر پا گذارده، ترسیم می‌کند:

در اقصای گیتی بگشتم بسی
بسر بردم ایام با هر کسی
تمتع به هر گوشه‌ای یافتم
ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم
دریغ آمدم زان همه بوستان
تهی دست رفتن سوی بوستان
به دل گفتم از مصر قند آورند
بر بوستان ارمغانی برند
مرا گر تهی بود از آن قند دست
سخن‌های شیرین‌تر از قند هست

(یوسفی، ۱۳۶۳: ۳۷).

سعدی در داستان‌های گلستان نیز درباره سفرهای خود و آنچه در سفرها دیده یا



شنیده و تجربه کرده اشاره می‌کند و مانند سفرنامه‌نویسان هر نکته یا پدیده و رویداد پندآمیز و عبرت‌آمیزی را که در سفرهایش با آنها برخورد کرده، برای خوانندگان کتابش بازگو می‌کند. این ویژگی‌ها در آثار سعدی حاکی از اندیشه جهان‌گرا و نگرش جهانی سعدی است. وی دنیا را محدود به منطقه‌ای خاص ندانسته بلکه با وسیع و گسترده در نظر گرفتن جهان، شناخت جهان و ایجاد ارتباط با آن را ضروری دانسته است. وی ایجاد ارتباط با مردم جهان و جوامع مختلف را مفید و سودمند دانسته و از آن به عنوان فرصتی که امکان برگرفتن خوشه‌ای را از خرمنی بزرگ فراهم می‌کند، یاد کرده است. لذاست که محدود ماندن در محدوده‌ای جغرافیایی را با تشبیه به زندگی مایگان مذمت کرده است.

سعدی و وابستگی انسان‌ها و اجتماعات انسانی به یکدیگر

یکی از شاخصه‌های جهانی شدن، افزایش وابستگی متقابل انسان‌ها و جوامع انسانی است. اگرچه این وابستگی اتفاق جدیدی نیست ولی توسعه ارتباطات و باخبر شدن انسان‌ها از یکدیگر از سویی و فرهنگ مصرفی و تقسیم کار از سوی دیگر، سبب وابستگی بیشتر انسان‌ها به یکدیگر شده است. در عصر جهانی شدن با کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی و وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر از جهات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هیچ جامعه و کشوری به طور مستقل و خودکفا قادر به ادامه حیات خود نیست (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۰-۱۱۹). سعدی در آثار خود اگرچه به جهانی شدن نپرداخته اما وابستگی بین جوامع و انسان‌ها را که همکاری آنها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، به‌خوبی ترسیم کرده است. سعدی بر دو نوع وابستگی میان جوامع انسانی توجه و تأکید کرده است. یکی وابستگی ارگانیک که قائل به همبستگی ذاتی و طبیعی بین انسان‌هاست. این معنا به‌خوبی در این شعر معروف سعدی منعکس شده است:

که در آفرینش ز یک گوهرند
دگر عضوها را نماند قرار

بنی آدم اعضای یکدیگرند
چو عضوی به درد آورد روزگار

(یوسفی، ۱۳۶۸: ۶۶)

همبستگی ارگانیک به این معناست که جوامع انسانی و نوع بشر همانند موجود زنده‌ای هستند که مانند اجزای یک موجود زنده به یکدیگر وابسته‌اند و انسان‌ها بدون یکدیگر قادر به ادامه زندگی خود نخواهند بود. این نگرش سعدی تا جایی است که اگر کسی نسبت به رنج و عذاب دیگری بی‌تفاوت باشد، آن فرد را از دایره انسانیت و آدم بودن خارج می‌داند.

نوع دیگری از وابستگی که برای انسان‌ها می‌توان در نظر گرفت، وابستگی آنها به یکدیگر با توجه به نیازهای متقابل آنها به یکدیگر است. از نظر سعدی انسان موجودی اجتماعی است و تنها در اجتماع می‌تواند زندگی کند و ادامه حیات دهد، زیرا انسان‌ها برای رفع نیازهای خود به یکدیگر نیاز دارند و تنها در اجتماع و در ارتباط با دیگر انسان‌هاست که می‌توانند نیازها و خواسته‌های خود را برآورده سازند؛ بنابراین انسان‌ها برای برآوردن نیازهای خود به یکدیگر وابسته‌اند و در عرصه اجتماع به منظور رفع نیازهای خود با یکدیگر همکاری می‌کنند. در غیر این صورت انسان‌ها از رفع نیازهای خود عاجز خواهند ماند.

*ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری*
(یوسفی، ۱۳۶۸: ۴۹)

سعدی وقتی به وابستگی بین انسان‌ها اشاره می‌کند، این وابستگی و نیاز متقابل را تنها بین یک یا دو ملت نمی‌داند بلکه آن را ویژگی اجتماعات انسانی در هر گوشه‌ای از جهان و در سراسر دنیا می‌داند. تأکید سعدی بر این نوع از وابستگی‌ها نیز جهان‌گرایی و نگرش جهانی وی را به تصویر می‌کشد.

تأثیرات متقابل جوامع انسانی بر یکدیگر

سعدی نه تنها به وابستگی و نیاز متقابل جوامع انسانی به یکدیگر توجه و بر آن تأکید کرده، بلکه به تأثیر متقابل انسان‌ها بر یکدیگر نیز اشاره کرده است. سعدی در آثار خویش به قابلیت تأثیرپذیری انسان از محیط پیرامون پرداخته و سود و زیان ارتباط با دیگران را یادآور شده است. وی می‌کوشد تا یادآوری کند که چه نوع ارتباطی می‌تواند مفید و سودمند و چه نوع ارتباطی می‌تواند زیان‌آور باشد. سعدی می‌نویسد:

*گلی خوشبوی در حمام روزی
بدو گفتم که مشکمی یا عبیری
بگفتا من گلی ناچیز بودم
کمال هم‌نشین بر من اثر کرد*
(یوسفی، ۱۳۶۸: ۵۱)

*چو از قومی یکی بی‌دانشی کرد
ندیدستی که گاوی در علف‌خوار*
(یوسفی، ۱۳۶۸: ۸۸)

*با بدان یار گشت همسر لوط
خاندان نبوتش گم شد*

(یوسفی، ۱۳۶۸: ۶۲)

مفهوم تأثیر متقابل انسان‌ها بر یکدیگر در اندیشه سعدی را اگر با مفاهیم مرتبط با جهانی شدن پیوند بزیم، درمی‌یابیم که سعدی با نگرشی جهان‌گرا بر وابستگی و نیاز متقابل انسان‌ها به یکدیگر تأکید دارد، اما در عین حال سود و زیان این پیوندها را یادآوری می‌کند و می‌کوشد با راهنمایی‌های خود ما را به سمتی رهنمون سازد که بتوانیم نوعی از روابط را با دیگران برقرار سازیم که امکان کسب حداکثر منافع فراهم شود. سعدی در واقع با اذعان به اینکه در واقعیت وابستگی بین جوامع فرصت‌ها و تهدیدهایی وجود دارد، با گوشزد کردن تهدیدها می‌کوشد ما را به سوی استفاده از فرصت‌ها سوق دهد.

سعدی و مخاطبان عام و جهانی

یکی از ویژگی‌های آثار سعدی که جهان‌گرایی در اندیشه سعدی و نگرش جهانی وی را نشان می‌دهد، حکایت‌ها و داستان‌های فاقد قید زمان و مکان و دارای مخاطب عام است. مخاطبان چنین آثاری، عام، جهانی، و حاضر در اعصار مختلف هستند. سعدی در حکایت‌هایی که بیان کرده، تمام جهانیان را مخاطب قرار داده و خطابه‌هایش مخاطب عام و جهانی دارد. او با توجه به مسافرت‌ها و بازدیدهایی که از نقاط مختلف جهان داشته، بر اساس مشاهدات خود و دیده‌هایش توصیه‌هایی به همه مردم جهان داشته است. او در بوستان و به‌ویژه در گلستان و باب‌های هشت‌گانه‌اش از همه قشرها و نهادهای اجتماع سخن گفته است. وی شخصیت‌های بسیاری از حکایت‌ها و داستان‌های خود را به صورت نکره آورده و بدون آنکه شخص، زمان و مکان خاصی را مشخص کند، پند و اندرز خود را ارائه کرده است. تنها برای نمونه به چند مورد از گلستان اشاره می‌شود:

«هر که بر زبردستان نبخشاید به جور زبردستان گرفتار آید:

به مردی عاجزان را بشکنند دست

نه هر بازو که در وی قوتی هست

که درمائی به جور زورمندی»

ضعیفان را مکن بر دل گزندی

(یوسفی، ۱۳۶۸: ۱۸۸)

«هر که با بدان بنشیند، نیکی نبیند

وحشت آموزد و خیانت و ریسو

گر نشیند فرشته‌ای با دیسو

از بدان جز بدی نیاموزی

نکند گرگ پوستین دوزی

(یوسفی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

«هرکه نصیحت خودرأی می‌کند او خود به نصیحت‌گری محتاج است» (یوسفی،

۱۳۶۸: ۱۷۵).

با توجه به این ویژگی حکایت‌های گلستان را از نظر نوع مخاطبان (مخاطب عام یا خاص) می‌توان بدین شرح دسته‌بندی کرد:

جدول شماره ۱. دسته‌بندی مخاطبان حکایت‌های گلستان سعدی

باب‌های گلستان	کل حکایت‌ها	مخاطب عام	درصد مخاطبان عام	مخاطب خاص	درصد مخاطبان خاص
اول: در سیرت پادشاهان	۴۱	۲۷	۶۵/۸۵	۱۴	۳۴/۱۵
دوم: در اخلاق درویشان	۴۷	۳۳	۷۰/۲۱	۱۴	۲۹/۷۸
سوم: در فضیلت قناعت	۲۹	۲۲	۷۵/۸۶	۷	۲۴/۱۳
چهارم: در فواید خاموشی	۱۴	۱۱	۷۸/۵۷	۳	۲۱/۴۲
پنجم: در عشق و جوانی	۲۰	۱۷	۸۵	۳	۱۵
ششم: در ضعف و پیری	۹	۹	۱۰۰	-	۰
هفتم: در تأثیر تربیت	۱۹	۱۶	۸۴/۲۱	۳	۱۵/۷۸
هشتم: در آداب صحبت	۱۰۹	۱۰۷	۹۸/۱۶	۲	۱/۸۳
مجموع	۲۸۸	۲۴۲	۸۴/۰۲	۴۶	۱۵/۹۷

چنانکه در جدول فوق پیداست از مجموع ۲۸۸ حکایت گلستان ۲۴۲ حکایت (۸۴ درصد) دارای مخاطب عام و ۴۶ حکایت (۱۵/۹۷ درصد) مخاطب خاص دارند؛ از این رو می‌توان گفت، گلستان سعدی بیش از آنکه افراد یا گروهی خاص را خطاب قرار داده باشد، عامه مردم در سراسر جهان را مخاطب خود قرار داده است.

در بوستان نیز سعدی در حکایت‌ها و اشعاری که بیان می‌کند بیشتر مخاطبانش را عام و جهانی قرار داده است. جدول زیر وضعیت مخاطبان حکایت‌های بوستان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. دسته‌بندی مخاطبان حکایت‌های بوستان سعدی

باب‌های بوستان	کل حکایت‌ها	مخاطب عام	درصد مخاطبان عام	مخاطب خاص	درصد مخاطبان خاص
اول: عدل و تدبیر و رأی	۲۰	۱۲	۶۰	۸	۴۰
دوم: احسان	۲۳	۱۶	۶۹/۵۶	۷	۳۰/۴۴



۳۵/۲۹	۶	۶۴/۷۰	۱۱	۱۷	سوم: عشق و مستی و شور
۳۳/۳۳	۹	۶۶/۶۶	۱۸	۲۷	چهارم: تواضع
۴۶/۱۵	۶	۵۳/۸۴	۷	۱۳	پنجم: رضا
۲۱/۴۲	۳	۷۸/۵۷	۱۱	۱۴	ششم: قناعت
۳۶/۳۶	۸	۶۳/۶۳	۱۴	۲۲	هفتم: عالم تربیت
۳۳/۳۳	۳	۶۶/۶۶	۶	۹	هشتم: شکر بر عافیت
۲۰	۴	۸۰	۱۶	۲۰	نهم: توبه و راه صواب
۱۵	۱	۷۵	۳	۴	دهم: مناجات و ختم کتاب
۳۲/۵۴	۵۵	۶۷/۴۵	۱۱۴	۱۶۹	مجموع

چنان‌که پیداست در بوستان نیز از مجموع ۱۶۹ حکایت و داستان، ۱۱۴ حکایت (۶۷/۴۵ درصد) دارای مخاطب عام و ۵۵ حکایت (۳۲/۵۴ درصد) دارای مخاطب خاص و مشخص است. با توجه به این وضعیت می‌توان نتیجه گرفت، مخاطب آثار سعدی همه انسان‌ها در همه جهان و در همه اعصار تاریخ است؛ از این‌روست که می‌توان سعدی را به غایت جهان‌گرا و اندیشه‌وی را جهانی توصیف کرد.

تأکید بر ارزش‌های انسانی و جهانی

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آثار سعدی که هم جهان‌گرایی سعدی را منعکس می‌سازد و هم نشان‌دهنده انطباق اندیشه‌های سعدی و فرهنگ ایرانی با شرایط عصر جهانی شدن است، مطرح شدن ارزش‌های انسانی و جهانی در این آثار است. در میان انسان‌ها مسائل مشترک گوناگونی وجود دارد که فراتر از ملیت، نژاد و قومیت آنها، به همه آنان مربوط و مورد توافق همه ابنا بشر است. ارزش‌هایی که توافق عام و همگانی درباره آنها وجود دارد، ارزش‌های جهانی هستند. بدین معنا که همه انسان‌ها در هر نقطه‌ای از جهان آن را محترم می‌شمارند و این گروه از ارزش‌ها معیاری برای شناخت خوب و بد از یکدیگر است. انسان‌ها نیز از هر نژاد، قوم یا ملتی که هستند، می‌کوشند تا رفتار فردی و اجتماعی خود را با این ارزش‌ها منطبق سازند؛ لذا یکی از شاخصه‌های جهانی شدن، جهانگیری و همگانی شدن بسیاری از نهادها و ارزش‌های بشری است که در نتیجه افزایش تعامل و وابستگی بین انسان‌ها به وجود می‌آید، ارزش‌هایی مثل صلح، عدالت، آزادی، امنیت و... از جمله ارزش‌هایی است که در فرایند جهانی شدن فراگیر و جهانی می‌شود (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

سعدی در گلستان و بوستان مروج ارزش‌هایی است که از ویژگی جهانی بودن برخوردارند. تفکر سعدی و ارزش‌هایی که وی بر آنها تأکید دارد بر مبنای نوع‌دوستی بنیان یافته است. مضامینی چون ترویج اصل عدالت و انسانیت که سعدی بر آنها تأکید دارد، مورد تأیید تمامی خیراندیشان و مردم جهان است. او در نگارش دو کتاب بوستان و گلستان در جهت ترویج ارزش‌هایی گام نهاده که ارزش‌های انسانی و جهانی است. در چشم‌انداز جهان آرمانی سعدی، بنی آدم اعضای یک گوهرند؛ لذا بر نوع‌دوستی تأکید می‌ورزد. وی آن‌چنان بر نوع‌دوستی و مسئولیت انسان برای کمک به رفع مشکلات دیگران تأکید دارد که می‌نویسد:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهند آدمی

(یوسفی، ۱۳۶۸: ۶۶)

غایت آرزوی سعدی تفاهم میان ملت‌ها و از بین رفتن خصومت‌ها از جوامع انسانی است. او بشارت‌دهنده صلح و دوستی است. این بیت سعدی شاهکار پیام صلح به تمامی سیاستمداران دنیاست:

به مردی که ملک سراسر زمین نیرزد که خونی چکد بر زمین

کتاب بوستان به گونه‌ای تنظیم شده که در هر قسمت یکی از ارزش‌های انسانی و جهانی مورد تأکید قرار گرفته است. سعدی خود درباره قسمت‌های مختلف بوستان می‌نویسد:

چو این کاخ دولت پردازم	برو ده در از تربیت ساختم
یکی باب عدلست و تدبیر و رای	نگهبانی خلق و ترس خدای
دوم باب احسان نهادم اساس	که منعم کند فضل حق را سپاس
سوم باب عشق است و مستی و شور	نه عشقی که بندند بر خود به زور
چهارم تواضع، رضا پنجمین	ششم ذکر مرد قناعت‌گزین
به هفتم در از عالم تربیت	به هشتم در از شکر بر عافیت
نهم باب توبه است و راه صواب	دهم در مناجات و ختم کتاب

(یوسفی، ۱۳۶۳: ۳۷)

چنان‌که سعدی گفته در هر بخشی از بوستان به یکی از ارزش‌ها پرداخته است. ارزش‌هایی که محدود به گروه انسانی خاص یا محدوده جغرافیایی ویژه‌ای نیست بلکه ذات و ماهیتی انسانی دارد؛ از این رو جهانی و فراگیر است. برخی از ارزش‌هایی که سعدی بدان‌ها پرداخته و جهانی بودن از ویژگی آنهاست، به شرح زیر است:

الف) عدالت

عدالت یکی از ارزش‌های انسانی و مورد تأکید همه انسان‌هاست و تحقق آن از آرمان‌های همیشگی بشر است. همه انسان‌ها در سراسر جهان عدالت را از ارزش‌های بنیادین می‌دانند و وجود آن را برای شکل‌گیری زندگی سالم ضروری و مبنایی برای امنیت جهانی می‌دانند. درحالی‌که در جهان بی‌عدالتی در مقیاسی وسیع مطرح می‌شود، عدالت نیازی بنیادی است. فقدان آن عامل شکل‌گیری بحران‌هایی است که زندگی بشر را تلخ و پر درد و رنج کرده است.

سعدی با تأکید بر ضرورت تحقق عدالت در جامعه بشری در واقع کوشیده راه حل یکی از مشکلات اساسی جامعه بشری را ارائه کند. او بارها انسان‌ها و حاکمان را به در نظر داشتن اصل عدالت و پرهیز از ظلم فرا خوانده است؛ چنان‌که یکی از بخش‌های کتاب بوستان سعدی به این عنوان اختصاص یافته و گلستان او نیز سرشار از حکایت‌هایی است که در آن سعدی به تمامی جهانیان تحقق عدالت و ضرورت شکل‌گیری آن در گستره جهانی را یادآور می‌شود. او تحقق عدالت را در محو ظلم و ستم می‌بیند؛ از این‌رو همواره به کسانی که از قدرت برخوردارند توصیه می‌کند که از ظلم و ستم پرهیزند:

که بر یک نمط می‌نماند جهان

مها زورمندی مکن با کهان

که گرد دست یابد بر آبی به هیچ

سر پنجه ناتوان برمیچ

(یوسفی، ۱۳۶۳: ۵۷)

این ابیات سعدی نیز سرشار از توصیه به صاحبان قدرت برای پرهیز از ظلم است:

ضعیفان می‌کن به کتف قوی

نصیحت به جا هست اگر بشنوی

گدایی که پشت نیززد جوی

که فردا به داور برد خسروی

مکن دشمن خویشتن کھتری

چو خواهی که فردا بُوی مهتری

بگیرد به قهر آن گدا دامت

که چون بگذرد بر تو این سلطنت

که گر بفکنندت شوی شرمسار

مکن، پنجه از ناتوانان بدار

(یوسفی، ۱۳۶۳: ۶۱)

ب) احسان و نیکوکاری

یکی از ارزش‌های جهانی که مورد تأکید همگان است، نوع‌دوستی و احسان و نیکوکاری است. در جامعه بشری به علت تحولاتی که در عرصه‌های گوناگون رخ داده، به‌ویژه به دلیل خالی شدن زندگی از معنویت، نیاز به توجه به ارزش‌هایی چون احسان

و نیکوکاری بیش از پیش خودنمایی می‌کند؛ از این رو نوع دوستی و احسان و نیکوکاری به عنوان یک ارزش جهانی جایگاه مهمی یافته و ترویج آن آرمان مشترک بشری شناخته شده است. چنان‌که در جهان مباحثی چون ارائه کمک به کشورهای ضعیف، تلاش به منظور رفع فقر در جهان، کمک به هم‌نوع و... به عنوان اقدامات ارزشی مطرح می‌شود. احسان و نیکوکاری به عنوان یک ارزش در آثار سعدی تجلی و نمود بارزی دارد؛ به طوری که می‌توان گفت مهم‌ترین جنبه آثار سعدی، نوع دوستی و انسان‌گرایی آنهاست. سعدی باب دوم بوستان خود و بخش‌هایی از گلستان را به اصل احسان و نیکوکاری اختصاص داده و کوشیده تا همگان را به رعایت این اصل و ترویج این ارزش انسانی دعوت کند. سعدی می‌نویسد:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
که در آفرینش ز یک گوهرند
دگر عضوها را نماند قرار
نشاید که نامت نهند آدمی
(یوسفی، ۱۳۶۸: ۶۶)

این ابیات سعدی نیز نشان‌دهنده توجه سعدی به اصل و ارزش احسان و نوع دوستی است:

الا گر جفاکاری اندیشه کن
کرم کن چنان کت برآید ز دست
دل زبردستان نباید شکست
وفا پیش گیر و کرم پیش کن
جهانبان در خیر بر کس نیست
مبادا که روزی شوی زیر دست
حاصل نشود رضای سلطان
خواهی که خدای بر تو بخشد
تا خاطر بشدگان نجویی
با خلق خدای کن نکویی
(یوسفی، ۱۳۶۳: ۸۶-۸۵)
(یوسفی، ۱۳۶۸: ۷۴)

ج) تواضع و فروتنی

تواضع، فروتنی و تکبر نورزیدن نیز از ارزش‌هایی است که از ارزش و اعتبار جهانی برخوردار است. فقدان این ارزش‌ها در زندگی اجتماعی ریشه بسیاری از مشکلات به حساب می‌آید. خودخواهی و خود را برتر از دیگران فرض کردن نه تنها مناسبات سالم افراد را تخریب می‌کند بلکه به روابط و مناسبات جوامع مختلف با یکدیگر نیز آسیب می‌رساند؛ از این رو ریشه بسیاری از منازعات است. حتی شکل‌گیری پدیده‌هایی چون استعمار و سلطه‌جویی در روابط بین‌الملل نیز از خودخواهی و برتری‌طلبی دول

قدرتمند ناشی می‌شود که برای رسیدن به منافع حداکثری خود، دیگران را نادیده می‌گیرند و برای مسلط شدن بر آنها تلاش می‌کنند. واقعیتی که در حال حاضر در عرضه جهان وجود داشته و همواره صاحبان قدرت با برتر دانستن خود منافع ضعیف را نادیده می‌گیرند. این مشکلات جز از طریق ترویج و نهادینه‌شدن ارزش‌هایی چون تواضع و فروتنی در مناسبات اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد شد؛ از این‌رو ارزش‌هایی از این نوع اهمیت و اعتبار جهانی یافته و مورد توجه همگان واقع شده است. در عصر جهانی‌شدن نیز تواضع، عدم تکبر و برابری شهروندان ارزشی مهم شناخته می‌شود.

سعدی با توجه به آثار منفی خودخواهی و تکبر، بر تواضع و فروتنی به عنوان راه درمان آن تأکید کرده و درصدد ترویج ارزش‌هایی چون تواضع و فروتنی برآمده است.

پس ای بنده افتادگی کن چو خاک

«ز خاک آفریدت خداوند پاک

ز خاک آفریدت آتش مباش»

حریص و جهان‌سوز و سرکش مباش

(یوسفی، ۱۳۶۳: ۱۱۵)

تکبر به خاک اندر اندازد

تواضع سر رفته افسرازد

بلندی باید بلندی مجوی

بگردن قد سرکش تندخوی

خدا بینی از خویشتن بین مجوی

ز مغرور دنیا ره دین مجوی

به چشم حقارت نگه در کسان

گرت جاه باید مکن چون خسان

(یوسفی، ۱۳۶۳: ۱۱۶)

سعدی در گلستان نیز به تواضع و لزوم توجه به آن در جامعه انسانی پرداخته است:

که به عفو از گناه پاک شوی

گر گزندت رسد تحمل کن

خاک شو، پیش از آنکه خاک شوی

ای برادر! چو عاقبت خاک است

(یوسفی، ۱۳۶۸: ۱۰۵)

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که مطرح شد در پاسخ به پرسش مقاله مبنی بر اینکه فرهنگ ایرانی در مواجهه با فرایند جهانی‌شدن و چالش‌های ناشی از آن چه وضعیتی پیدا خواهد کرد، می‌توان گفت فرهنگ ایرانی ظرفیت و قابلیت لازم برای دفع تهدیدهای جهانی‌شدن و استفاده از فرصت‌های ناشی از آن را دارد. با مطالعه و بررسی ادبیات فارسی از جمله گلستان و بوستان سعدی به عنوان بخش و جلوه‌ای از فرهنگ ایران به این نتیجه می‌رسیم که اندیشمندان و متفکران ایرانی دید محدود و بسته‌ای نداشته، بلکه دارای

اندیشه و نگرش جهانی بوده‌اند. از سوی دیگر با توجه به ارزش‌های مطرح‌شده در ادبیات ایران، نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که جهان‌گرایی و نگرش جهانی بخش جدایی‌ناپذیری از فرهنگ ایرانی است. در ادبیات ایرانی به ارزش‌های عام و فراگیر مورد قبول جامعه جهانی توجه بسیار شده است و اساساً این ادبیات و فرهنگ در صدد گسترش ارزش‌های انسانی و جهانی است. چنان‌که در آنها همه افراد بشر بدون توجه به قید زمان و مکان مورد خطاب قرار گرفته و به رعایت ارزش‌های انسانی دعوت شده‌اند. بنابراین فرهنگ ایرانی دارای ویژگی عام‌گرا بوده و توانایی و قابلیت لازم برای انطباق خود با شرایط ناشی از جهانی‌شدن را دارد و می‌تواند با ارائه ارزش‌های مورد قبول جهانیان در عصر جهانی‌شدن با غلبه بر چالش‌های جهانی‌شدن بسیاری از ارزش‌های خود را جهانی کند و از این طریق خود را حفظ کند؛ از این رو در تقابل بین فرهنگ ایرانی با فرهنگ ناشی از فرایند جهانی‌شدن، فرهنگ ایرانی نه تنها می‌تواند بر چالش‌های پیش رو غلبه و خود را حفظ کند، بلکه این امکان را می‌یابد که با استفاده از فرصت‌های ناشی از جهانی‌شدن به معرفی و ترویج خود در عرصه جهانی بپردازد.

منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۶): *گلستان سعدی*، مقدمه، شرح و تعلیقات، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- بلیس، جان، و استیو اسمیت، و دیگران (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه های تاریخی، نظریه ها، ساختارها و فرایندها)، مترجم ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- حسن لی، کاووس (۱۳۸۰): *فرهنگ سعدی پژوهی*، شیراز: انتشارات بنیاد فارس شناسی و مرکز سعدی شناسی.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۲): *گلستان*، تهران: انتشارات صفی علیشاه.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۲): *زمینه فرهنگ شناسی*، تهران: عطار.
- روسک جوزف و رولندوارن (۱۳۵۰): *مقدمه ای بر جامعه شناسی*، مترجم: بهروز نبوی و احمد کریمی، تهران: مؤسسه عالی حسابداری.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳): *درآمدی بر اسلام و جهانی شدن*، قم: بوستان کتاب.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷): *دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، کتاب اول، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- شهرام نیا، امیرمسعود (۱۳۸۵): *جهانی شدن و دموکراسی در ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- قاسمی، حاکم (۱۳۸۶): «جایگاه رسانه در مهندسی فرهنگی»، *ماهنامه زمانه*، ش ۶، ص ۴۹-۳۸.
- قلی پور یادگار، مهدی (۱۳۸۷): *جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش های انقلاب اسلامی*، استاد راهنما فرهاد درویشی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱): *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴): *چشم اندازهای جهانی*، مترجم: محمدرضا جلالی پور، تهران: طرح نو.
- محسنی، منوچهر (۱۳۶۵): *جامعه شناسی پزشکی*، تهران: طهوری.
- موحد، ضیاء (۱۳۷۴): *سعدی*، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- مولکی، مایکل (۱۳۷۶): *علم و جامعه شناسی معرفت*، مترجم: حسین کچوئیان، تهران: نشر نی.
- نیم کف، آگ برن (۱۳۴۹): *زمینه جامعه شناسی*، مترجم: امیرحسین آریانی پور، تهران: بی نا.
- یزدانی، زینب، لیلا میری (۱۳۸۳): *شرح زندگانی شاعران بزرگ*، ج ۲، تهران: تیرگان.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۳): *بوستان سعدی*، چاپ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ----- (۱۳۶۸): *گلستان سعدی*، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- Fukuyama, Francis (1989); "The end of history", *The National Interest*, Summer.
- Ghasemi, Hakem (2010). "Globalization and International Relation: Actors move From Non-Cooperative to Cooperative Games", *Global & Strategis*, Tahun 4, No. 1, Januari-Juni 2010, pp.1-14.
- Sander, H. (1996); "Multilateralism, Regionalism and Globalization: The Challenge to the World Trading System" in H, Sender an a, Inotai (eds) *World Trade after the Uruguay Round*, London: Routledge.
- Taylor P. J. (2000); "Ization of the World, Americanization. Modernization and Globalization", in c, Hay and D, Marsh (ed), *Demystifying of Globalization*, Mcmilan.
- Thompson, P. Hirst G. (1996); *Globalization in Question: The International Economy and Possibilities of Governance*, Cambridge, Polity Press.